

رویکرد بزه‌دیدة شناختی به ناشناختگی در زیست مجازی

| شهرام ابراهیمی* | دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

| عبدالله ایزدی | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

| محمدهادی صادقی | دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

هرچند تصور زیست مجازی بدون زیست حقیقی امری غیرممکن می‌باشد، لکن وجود موازی و هم‌زمان این دو، موجبی برای بروز پدیده‌ای به نام حضور از زیست حقیقی به زیست مجازی شده است. پدیده‌ای که بنا به شرایط خاص و تفاوت‌های ماهوی این دو زیست، قابل تحلیل در جرم‌شناسی بزه‌دیدة شناختی است. مهم‌ترین عنصر در تحلیل مقاله حاضر تفاوت‌های ماهوی این دو نوع از زیست، از نظر ناشناختگی افراد و به تبع آن رنگ‌باختگی مفهوم اعتماد در زیست مجازی است که به دلیل عدم توجه از سوی شهروندان در زمان حضور در زیست مجازی موجبات زمینه‌سازی جرایم را به دنبال دارد. با در نظر گرفتن این مهم در شرایط امروزی زیست حقیقی و بنا بر آثار و تبعات گسترده‌ای که در این نوع از حضور در زیست مجازی به وجود می‌آید، بایستی قائل به بازتعریف وظایف و مسئولیت‌های جدید برای شهروندان و حکمرانان در تأمین امنیت شهروندان گردید. وظایفی که در شرایط کنونی گاه به صورت غیررسمی از سوی حکمرانان مدنظر قرار می‌گیرد. لکن اهمیت تأمین امنیت شهروندان و وظیفه حکمرانان در پیشگیری از جرم، کاهش و جبران خسارت احتمالی به شهروندان، مهم‌ترین دلایل برای رسمیت بخشیدن و هنجارمند نمودن چنین موضوعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: زیست مجازی، زیست حقیقی، عدم اعتماد، ناشناختگی

مقدمه

هرچند بررسی علمی جرم در زمان شکل‌گیری جرم‌شناسی، متمرکز بر جرایم علیه تمامیت جسمانی، اخلاقی و مالی انسان‌ها در دنیای حقیقی بوده‌است، لکن متناسب با پیشرفت‌هایی که در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و... رخ داده، این شاخه از علم نیز تغییراتی را در موضوع مورد مطالعه خود ایجاد کرده‌است. یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های علمی در این خصوص، تولد دنیایی است که از پیوند فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی ایجاد شده است (نجفی ابراندآبادی، ۱۳۹۳: ۹). تولد چنین دنیایی که ماهیت شکل گرفته آن از اهمیت برخوردار است، موجبی برای استقبال و حضور بسیاری از شهروندان در این دنیا شده است. هرچند نمی‌توان قائل به حضور صرف افراد در این نوع از دنیا گردید، لکن افراد به صورت متمادی در حال گذار از دنیای حقیقی به دنیای مجازی می‌باشند که چنین حضوری با توجه به ماهیت و ویژگی‌های خاص این نوع از دنیا، نقش مهمی را بر مقوله جرم و بزه‌دیدگی به جای می‌گذارد. علم جرم‌شناسی نیز با در نظر گرفتن مفاهیم خلق شده جدید مانند: زیست و زندگی مجازی هم‌سو با سایر علوم سعی در بررسی علمی جرم‌های قابل ارتکاب در این نوع از زندگی و تأثیرگذاری این نوع از زندگی بر فرآیند و گذار اندیشه مجرمانه داشته است. باید گفت در آغار سده بیست و یکم، جرم‌شناسی با محیط و فضای جدیدی به نام «محیط مجازی» روبه‌رو شده که در سایه ایجاد چنین محیطی، بسیاری از فعالیت‌ها، روابط و دادوستدهای انسان به آن محیط منتقل شده است. این در حالی است که در زیست مجازی، با توجه به تفاوت‌های ماهوی آن با زیست حقیقی، با مفهوم «ناشناختگی»^۱ روبه‌رو می‌باشیم.

مفهوم ناشناختگی در زیست مجازی شرایط خاصی را تجربه می‌کند. هرچند مفهوم جدیدی نیست و در زندگی حقیقی نیز وجود دارد؛ لکن شرایط زیست مجازی موجب اهمیت این مفهوم در این نوع از زیست شده است. ناشناختگی در فضای مجازی در دو دسته قابل تقسیم‌بندی می‌باشد: ناشناختگی واقعی^۲ و ناشناختگی کاذب^۳. در ناشناختگی واقعی با شرایطی روبه‌رو هستیم که امکان کشف هویت فرد در زیست مجازی فراهم نمی‌باشد. در واقع فرد به‌گونه‌ای اقدام به انجام رفتاری در فضای مجازی نموده است که با توسل به ابزارهای فنی زیست مجازی نیز نمی‌توان به طور قطع هویت وی را شناسایی کرد. این نوع از ناشناختگی دارای بالاترین پتانسیل برای ارتکاب جرم می‌باشد که معمولاً از سوی مجرمین مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوع دوم ناشناختگی بیشتر در خصوص بزه‌دیدگان قابل بحث می‌باشد. در این نوع از ناشناختگی فرد با تصور ناشناخته ماندن در فضای

1. Anonymity

2. True Anonymity

3. Pseudo-Anonymity

مجازی اقدام به انجام رفتار یا بیان عقاید یا اسرار خود می‌نماید. در این شرایط هرچند تصور اولیه فرد، ناشناس ماندن می‌باشد، لکن هویت وی قابل تشخیص و ردیابی است. با این شرایط، ناشناختگی در زیست مجازی به شکل پررنگ ظهور کرده و اصل اعتماد رنگ می‌بازد. در واقع اعتماد که یکی از مهم‌ترین ابعاد روابط و تعاملات اجتماعی است، محصول ترکیب ساختار و کنش اجتماعی می‌باشد که با ساختار اجتماعی شفاف و پایدار شکل گرفته و با تجارب اعتمادآمیز قوت می‌یابد. در زیست مجازی چنین اعتمادی دچار خدشه و اضمحلال می‌گردد و افراد نیز در این نوع از زیست می‌بایست متناسب با شرایط زندگی مجازی به تعامل و رفتار بپردازند. بی‌توجهی و یا غفلت شهروندان در گذار از محیط مبتنی بر شناخت و اعتماد به زیست مبتنی بر ناشناختگی و عدم اعتماد و عدم اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه از سوی دولت و حکمرانان در این خصوص، زمینه بزه‌دیدگی افراد را فراهم می‌سازد (نجفی ابراندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۲۴). باید گفت ترکیب مؤلفه‌های اعتمادساز ساختاری در زیست مجازی و کنش‌های افراد که تأثیرپذیرفته از ویژگی ناشناختگی آن نوع از زیست می‌باشد، موجبی برای لزوم اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه می‌باشد که می‌بایست مبتنی بر مطالعات بزه‌دیده‌شناختی مدنظر قرار گیرد. سیاست‌های پیشگیرانه در این خصوص با توجه به هر دو رویکرد بزه‌دیده‌شناسی نخستین و حمایتی قابل بحث است. هرچند در جرم‌شناسی پیشگیرانه، موضوع علت‌شناسی بزهکاری بیش از هر موضوعی محل بحث و بررسی است، لکن به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در زیست مجازی به واسطه ویژگی ناشناختگی، علت‌شناسی بزه‌دیدگی مؤثر بر علت‌شناسی بزهکاری است، لذا بزه‌دیده می‌تواند عامل مؤثری در ارتکاب جرم و الهام‌بخش اندیشه مجرمانه تلقی شود و بر این اساس اتخاذ سیاست‌های کارآمد پیشگیرانه در این نوع از زیست وابسته به علت‌شناسی بزه‌دیدگی می‌باشد.

شرایط ایجادشده ناشی از ناشناختگی، این سؤالات را به وجود آورده است که با توجه به مفهوم ناشناختگی، چه مؤلفه و ویژگی از زیست مجازی می‌تواند واجد اثر در بزه‌دیده شدن افراد باشد؟ در این صورت چه اقداماتی از سوی افراد قابل انتظار است؟ مسئولین و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی با توجه به وظیفه‌ای که در راستای برقراری امنیت افراد و پیشگیری از ارتکاب جرم دارند، به واسطه نوع جدید از زندگی و گذار از جامعه مبتنی بر اعتماد به زیست بر اساس ناشناختگی، چه اقداماتی را می‌بایست انجام دهند؟ بر این اساس ابتدا مفهوم و ویژگی‌های زیست مجازی که قابلیت تحلیل جرم‌شناختی را دارد بیان می‌شود. سپس مؤلفه‌های رنگ‌باختگی مفهوم اعتماد در زیست مجازی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مبحث بعد ابعاد تأثیرگذاری زیست مجازی بر بزه‌دیدگی افراد بیان

خواهد شد و در مبحث آخر تدابیر لازم جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد در زیست مجازی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم و ویژگی‌های زیست مجازی

همراه و همگام با تحولات متعددی که در عرصه‌های مختلف علمی رخ داده است، مفهوم جدید زیست مجازی ایجاد و به مرور زمان تقویت گردیده است. در برگزیدن واژه زیست مجازی در مقابل زیست حقیقی نکته مهم و قابل بحث این است که واژه مجازی در این مقاله از مفهوم مجازی در معنای دقیق عربی آن، که به تخیلی بودن معنی می‌گردد، فاصله دارد؛ بنابراین زیست مجازی تخیلی نیست، هرچند غیرمادی است و در نهایت این نوع از زیست جدا و مجزای از زیست حقیقی نمی‌باشد. بنابراین زیست حقیقی آن ظرفیتی است که در آن زندگی و فعالیت اجتماعی به صورت عینی در جریان هست؛ لکن زیست مجازی که تحت تأثیر پیشرفت‌های ایجادشده در حوزه‌های صنعت و فناوری، ارتباطات و اینترنت پررنگ‌تر شده است، انسان را در مواجهه با واقعیت‌های مجازی قرار می‌دهد.

زیست مجازی تحت تأثیر تعداد زیاد و در حال افزایش افرادی که در حال گذراندن این سبک از زندگی هستند، شرایط ویژه‌ای را تجربه می‌کند که موجب برای تفاوت‌های هر چه بیشتر این نوع از زیست با زیست حقیقی شده است. این ویژگی‌ها در دو گروه قابل دسته‌بندی هستند. برخی ویژگی ذاتی زیست مجازی هستند، به این معنا که این ویژگی‌ها به ذات و ماهیت زیست مجازی برمی‌گردد لکن برخی دیگر را می‌توان ویژگی‌های ادراکی نامید. منظور از ویژگی ادراکی نیز آن دسته از ویژگی‌هایی است که امکانات و قابلیت‌های خاصی را برای برخی افراد با توجه به ویژگی‌های ساختاری به وجود می‌آورد؛ اما برای دیگران فاقد چنین قابلیت‌هایی می‌باشد.

۱-۱. ویژگی‌های ذاتی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زیست مجازی که نقش محوری در تحلیل سایر ویژگی‌های این نوع از زیست را دارد، این است که شروع این نوع از زیست برخلاف زیست حقیقی که با تولد همراه است، فاقد زمان و سن خاصی می‌باشد و افراد در سنین مختلف وارد زیست مجازی می‌شوند و مسئله دیگر اینکه حتی با گذر زمان و تحولاتی که در ماهیت زیست مجازی ایجاد شده است، این زمان رو به کاهش و در حال نزدیک شدن به زمان تولد زیست حقیقی است. چنین ویژگی از زیست مجازی مجال را فراهم نموده است که سنخیت‌های مربوط به سن و سطح درک افراد در تعاملات و روابط با سایرین که معمولاً توأم با «ناشناس بودن» می‌باشد، کم‌رنگ‌تر شده و زمینه‌ساز گرفتاری افرادی در دام افراد دیگر باشد.

ویژگی دیگر زیست مجازی در قیاس با زیست حقیقی مربوط به مفهوم زمان و مکان در این نوع از زیست هست. زمان در زیست حقیقی مفهومی خطی دارد که در آن گذشته، حال و آینده معنی می‌یابد؛ اما زمان در زیست مجازی یک مفهوم هندسی است و تابع رابطه خطی نیست. (عابدینی، ۱۳۸۸: ۱۴۸) همچنین مفهوم مکان نیز در زیست مجازی دچار دگرگونی شده و برخلاف زیست حقیقی نمی‌توان از ثبات مکانی در زیست مجازی سخن گفت. در زیست حقیقی ما با شرایطی روبه‌رو هستیم که هویت هر فرد جنبه انتسابی دارد و مکان نقش کلیدی در خلق هویت اجتماعی هر فرد دارد و افراد به‌واسطه زندگی در محیط‌های اجتماعی محدود، هویت اجتماعی آنان در ارتباط با اطرافیان شکل می‌گیرد، لکن در زیست مجازی به‌واسطه وجود ویژگی بی‌مکانی حقیقی، مفهوم هویت نیز دچار تغییر شده است که همین عامل موجی تقویت ناشناختگی و تغییر اصل اعتماد می‌گردد.

زیست مجازی با نو بودن و به‌روز بودن خویش، محیطی مناسب برای جوانان و مخاطبان دیگر ایجاد کرده است. تازگی زیست مجازی باعث می‌شود تا افراد بسیاری از جمله جوانان نه فقط برای گذران اوقات فراغت بلکه برای خرید و ارتباطات آموزشی نیز وارد این فضا شوند. این قابلیت باعث می‌شود که فرد هرروزه انگیزه مضاعفی برای تجربه امکانات جدید و گذار از زیست حقیقی به زیست مجازی داشته باشد که استمرار آن مستلزم شکل‌گیری درک دقیق از ایجاد اعتماد در آن زیست می‌باشد.

۲-۱. ویژگی‌های ادراکی

ایجاد تغییرات معرفتی در مفهوم هویت از ویژگی‌های دیگر زیست مجازی است. هویت مفهومی است که در رشته‌های مختلف معنای متفاوتی را دارد اما از نظر جامعه‌شناختی هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند و یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مجموعه معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد (burke, 1991: 837). یکی از موضوعاتی که موجبات تغییر معرفتی در مفهوم هویت را در زیست مجازی موجب شده است، این مهم است که ارزش‌گذاری‌ها و عناصر زیست مجازی متفاوت از زیست حقیقی هستند. درواقع تحت تأثیر فضای مجازی و ورود ماشین در تبادلات و رابطه‌ها، هویت از ارزش‌های مستمر و متمایز در رابطه انسان‌ها به روابط انسان با ماشین‌های هوشمند تسری پیدا کرده است. لذا هویت در زیست مجازی در ارتباط بین انسان با عناصر آن نوع از زیست که لزوماً انسان نمی‌باشند تعریف می‌شود و می‌تواند در شکل‌گیری مفهوم اعتماد مؤثر باشد.

یکی از ویژگی‌های دیگر زیست مجازی کاهش شکاف‌های طبقاتی و واردکردن افراد در محیطی یکدست است که مناسبات عمودی به مناسبات افقی تبدیل می‌شود. در این نوع از زیست طبقات کم‌رنگ شده و سطحی یکسان از دسترسی به وجود خواهد آمد. همین ویژگی خاص از زیست

مجازی موجبی برای ایجاد نوعی از فرهنگ به نام فرهنگ فراواقعیت است که در لوای این فرهنگ به واسطه عدم اصالت در نشانه‌ها، تمایزات زندگی حقیقی و خیالی کم‌رنگ‌تر می‌شود.

ویژگی دیگر زیست مجازی، گسترش اهمیت فرد و حیطه خصوصی در برابر جمع و حوزه عمومی است. افراد در زیست مجازی در عین حال که می‌توانند در گروه‌های مختلف حضور داشته باشند، می‌توانند خود را جدا از دیگران و تنها نیز حس کنند. نبود مراتب قدرت در فضای مجازی، باعث می‌شود فردیت افراد در جمع حل نشود. در جهان حقیقی، قدرت انتخاب افراد، همواره تحت تأثیر عواملی چون: جبر مکان، زمان، فرهنگ، حکومت و... محدود بوده است؛ اما در جهان مجازی این مرزها وجود ندارد و افراد می‌توانند در مقیاس جهانی دست به انتخاب بزنند (چیت‌ساز، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

۲. مؤلفه‌های رنگ‌باختگی مفهوم «اعتماد» در زیست مجازی

با تأسی از نظریه آنتونی گیدنز در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری اعتماد، می‌توان مؤلفه‌های رنگ‌باختگی مفهوم اعتماد در زیست مجازی را بیان نمود. از نظر گیدنز نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، باورداشت‌های مذهبی و فرهنگ زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتماد هستند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۳۰).

۲-۱. تغییر در احساس تعلق

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در سایه زیست مجازی ایجاد شده است، تغییر در احساس تعلق افراد می‌باشد.^۱ احساس تعلق تا حدی از احساس سهیم بودن در یک تاریخ مشترک، محل مشترک و مسیر زمانی و مکانی مشترک ناشی می‌شود و از آنجا که در زیست مجازی ابعاد احساس تعلق دگرگون شده است، لذا افراد آن احساس تعلق قوی و پایداری را که در زیست حقیقی با خود داشته‌اند و همین احساس نیز موجبی برای شکل‌گیری اعتماد، خودکنترلی و خودپیشگیری در ارتکاب اعمال مجرمانه بوده است را از دست می‌دهند و دیگر در زیست مجازی بازدارنده‌هایی مانند احساس تعلق را با خود به همراه ندارند و در دنیایی که خود را در آن سهیم نمی‌دانند، مشغول به تعامل می‌گردند و بر همین اساس نیز اعتماد را به عنوان یک رکن اساسی در روابط و تعاملات تحت تأثیر قرار می‌دهند. کم‌رنگ شدن تعلق خاطر در زندگی مجازی، توسعه شرایط ارائه شخصیت نمایشی را نیز به دنبال دارد. در زیست مجازی افراد به دنبال اجرای ایده‌آل و ظاهری مناسب از خود در ارتباطات و تعاملات

۱. یکی از نظریه‌های مهم در چنین تحلیلی، نظریه ارتباطی تامپسون می‌باشد. به نظر تامپسون گسترش و پیشرفت رسانه‌های ارتباطی (که زمینه‌ساز شکل‌گیری زیست مجازی شده‌اند) علاوه بر تغییر درک مردم از مکان و گذشته آن، روی حس تعلق افراد یعنی درک افراد از گروه‌ها و جماعت‌هایی که به آن‌ها احساس تعلق می‌کنند نیز تأثیر گذاشته است (تامپسون، ۱۳۷۹: ۵۱).

هستند^۱ و این در حالی است که خود واقعی افراد در این نوع از زیست متفاوت از خود ظاهری آنها است. چنین وضعیتی در کنار شرایط ناشناختگی ایجاد شده در زیست مجازی، بیش از پیش موجب کاهش اعتماد در زیست مجازی می‌گردد.

۲-۲. تغییر در معیار ارزشمندی

تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی که به فرآیند جهانی‌شدن شکل می‌دهد، یک ظرفیت و توانمندی است که همه افراد با کمک آن می‌توانند ضمن تعامل با دیگران در دور و نزدیک، نقش خود را در ساختن فرهنگ جهانی آینده ایفا کنند و خود را بر مبنای دیدگاه‌ها و گفته‌های دیگران به نقد بکشند؛ به عبارت دیگر در زیست مجازی معیار افراد در درست یا اشتباه بودن یک عمل برخلاف زیست حقیقی به همین خاصیت برمی‌گردد. معیار ارزشمندی، تأیید افراد و معیار نادرست بودن نقد و عدم تأیید است. همین رویکرد موجبی برای برهم خوردن اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های زیست حقیقی می‌باشد و زمینه‌ساز شکل‌گیری بسیاری از گرایش‌های مجرمانه است. چراکه در این نوع از زیست افراد اعمال مجرمانه را نه بر مبنای قانون و یا حتی اصول شرعی و اخلاقی بلکه صرفاً بر مبنای تأیید و رد اجتماعات مجازی انجام می‌دهند و با توجه به تفاوت‌های فاحشی که می‌تواند در این معیارها وجود داشته باشد، گاه اعمال ارتكابی از سوی افراد در زیست مجازی برخلاف تصورات این افراد در آن نوع از زیست، واجد اثر مجرمانه است و هم بستر ساز شکل‌گیری نوعی از اعتقاد و تصور است که با از بین بردن اعتماد، به ارتكاب اعمال مجرمانه در زیست حقیقی ختم می‌شود.^۲

۲-۳. تحول در مفهوم تعامل

تعامل در زیست مجازی معنایی متفاوت از تعامل در زیست حقیقی دارد.^۳ بر این اساس نیازی نیست که فرد به منظور ایجاد تعامل در فضای مجازی در یک زمان خاص حضور داشته باشد. تعامل در زیست حقیقی دارای شرایطی است: حاضران در یک شبکه ارتباطی دارای نقشی خودبنیاد و آزاد

۱. یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند در این خصوص مورد اشاره قرار گیرد، نظریه اروینگ گافمن است. این نظریه یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی است که در این عرصه مطرح شده است. گافمن به این قضیه پرداخت است که چگونه جامعه انسان‌ها را به ارائه تصویر معینی از خودشان و می‌دارد (ایمان، ۱۳۹۰: ۶۰).

۲. غلبه زندگی مجازی بر زندگی حقیقی موجب ایجاد نمودهایی از تحول در معیار ارزشمندی می‌گردد. به عنوان مثال در نیجریه که فرهنگ پسران یاهویی باعث شکل‌گیری نموده‌های غلبه زندگی مجازی بر حقیقی می‌باشد، ثروت ولو نامشروع مورد پسند می‌باشد (adebusi i. adeniran, 2008: 369).

۳. «سامانتا هندرسون» و همکارش «میکائیل گیلدینگ» با توسعه نظریه زتومپکا معتقدند ناشناختگی موجود در فضای مجازی این معنی را در ذهن تداعی می‌کند که تعاملات مجازی در اینترنت شک‌برانگیزتر از تعاملات چهره به چهره است (محسنی، ۱۳۹۰: ۴۹).

هستند، فضای تعاملی مبتنی بر یک نیاز مشروع ایجاد می‌شود، این تعامل دارای ویژگی شمولیت و نفوذپذیری است یعنی گروه‌های حاشیه‌ای را نیز در بر می‌گیرد و ارتباط از طریق زبان عادی و روزمره هست که موجب فهم متقابل و اجماع غیرمبتنی بر زور می‌گردد. لکن تعامل در زیست مجازی دو خصیصه مهم اخلاقی و گفتمانی بودن که مؤید توجه و احترام به دیگری است را از دست می‌دهد^۱ و به همین دلیل در کاهش میزان اعتماد در زیست مجازی نقش دارد (حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۵۵).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تعاملات در زیست مجازی این است که به دلیل فقدان ارتباط چهره‌به‌چهره، تعیین دقیق مرز بین انگیزه در این تعاملات که برای سرگرمی می‌باشد یا مبتنی بر نوعی نگرش و نقشه قبلی، اینکه بر اساس واقعیت و جدی برخی موارد مطرح می‌گردد یا نوعی از تخیلات افراد، عملاً امکان‌پذیر نیست و لذا افراد در این نوع از زیست نمی‌توانند مبتنی بر شرایط تصمیم‌گیری منطقی و دائمی برای رفتارها و برنامه‌های آینده خود داشته باشند. همچنین شرایط ناشناختگی موجب تأثیر بر ارتباطات و مهارت‌های بین فردی در شرایط زیست مجازی می‌گردد. به گونه‌ای که قلمرو تعاملات اجتماعی در سایه ناشناختگی توسعه یافته لکن مهارت‌های ارتباطات بین فردی که موجبی برای پیوند افراد در یک جمع و حتی جامعه می‌باشد، کاهش می‌یابد (Hannah, 2017: 3). در چنین شرایطی با وضعیتی روبه‌رو هستیم که تعاملات اجتماعی فرد تحت تأثیر قرار گرفته و به تبع آن موجبی برای کاهش پاسخ‌گویی اخلاقی می‌گردد.

۲-۴. تغییر در مفهوم همبستگی

تحلیل و قیاس جامعه ارگانیکی و جامعه مکانیکی مورد وصف از سوی دورکیم نیز در بررسی ارتباط بین زیست مجازی و زیست حقیقی از اهمیت زیادی برخوردار است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در حضور از زیست حقیقی به زیست مجازی می‌بایست مورد تحلیل قرار گیرد، همبستگی هست. موضوعی که ماهیت این نوع از زیست را در قیاس با زیست حقیقی به نحو بهتری مشخص می‌نماید و می‌توان با بررسی آن به برخی از شرایطی که زمینه‌ساز تحلیل اعتماد در زیست مجازی و قربانی شدن افراد در زیست مجازی هست پی برد.

به‌طور کلی چه در زیست حقیقی و چه در زیست مجازی با دو نوع وجدان روبه‌رو هستیم. یکی خاص حالات شخصی است و منش ما را نشان می‌دهد و دیگری بیانگر حالات مشترک تمامی جامعه است. می‌توان گفت وجدان نخست تشکیل‌دهنده شخصیت فرد است و وجدان دوم نماینده نوع جامعه

۱. نظریه قابل اتکا در این خصوص نظریه گفت‌وگوی بودیشون است. به زعم بودیشون، شخص با محیط و اطرافیان خود از طریق کانال‌های مختلف و به چندین نوع، ارتباط برقرار می‌کند. ارتباطات محاوره‌ای افراد را بیشتر از بقیه ارتباطات به هم نزدیک می‌کند (خوش‌صفا، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

است. این دو وجدان به هم پیوند خورده‌اند و لذا نوعی از همبستگی خودبنیاد ایجاد شده است که به همبستگی مکانیکی از آن یاد می‌شود. باید توجه داشت این نوع از همبستگی کلی و نامعین نیست بلکه در هماهنگی جزئیات حرکات نیز دخالت دارد. حقوق جزا در واقع بیانگر همین نوع از همبستگی است. از طرف دیگر بخشی دیگر از حقوق یا به‌هیچ‌وجه وجدان جمعی نیستند یا از حالات ضعیف وجدان جمعی هستند. این بخش از حقوق نیز به همبستگی اجتماعی ارتباط دارد ولی نه مانند حقوق جزا. درواقع در این قسمت از حقوق این جامعه است که مثلاً به یک قرارداد دونفره اعتبار و قدرت می‌دهد و تعهد ایجاد می‌کند. در این قسمت از حقوق فرض بر این است که جامعه در پشت سر همه اطراف قرارداد قرار دارد و در هر لحظه می‌تواند برای واداشتن آن دو به اجرای تعهدات وارد عمل شود. نهایتاً می‌توان گفت در حقوق خصوصی با نوع دیگری از همبستگی اجتماعی روبه‌رو هستیم که دیگر در وجدان عمومی ریشه ندارد بلکه در تعهدات افراد ریشه دارد (دورکیم، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

به نظر می‌رسد در زیست مجازی به‌واسطه ماهیت خاص این نوع از زیست مرزهای حقوق جزا و حقوق خصوصی به شکل بی‌نظیری به هم نزدیک شده‌اند و لذا برخلاف زیست حقیقی که در حالت استاندارد تأکید بر همبستگی مکانیکی با پشتوانه حقوق جزا تا حدود زیادی کارساز هست، در زیست مجازی نوع دیگر همبستگی اجتماعی پررنگ هست و لذا کاستی‌هایی که در ارتباط بین این دو نوع از همبستگی به وجود آمده است زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای منجر به جرم هست. در واقع ایده بر این است که در بررسی ماهیت نوع زیست مجازی برخلاف زیست حقیقی، همبستگی اجتماعی نوع دوم، نقش مهمی را داراست و کاستی‌های این حوزه از همبستگی در زمینه‌سازی تحلیل اعتماد و شکل‌گیری گرایش‌های مجرمانه محل تأثیر است. بر این اساس با مرور زمان و با توجه به تغییرات ایجادشده در جوامع به‌خصوص با توجه به ماهیت خاص زیست مجازی، همبستگی مکانیکی ناشی از همانندی‌ها سست شده است و تا حدودی با نوع دوم همبستگی در حال جایگزینی است و نقشی که در زیست حقیقی تا حدود زیادی به‌عهده همبستگی مکانیکی ناشی از وجدان عمومی بوده امروزه به‌عهده همبستگی نوع دوم قرار گرفته است.

۳. ابعاد تأثیرگذاری زیست مجازی بر بزه‌دیدگی

۳-۱. کاهش بازدارندگی

اینکه چرا افراد در زیست مجازی بی‌دغدغه‌تر از زیست حقیقی، زمینه‌ساز قربانی شدن خود می‌گردند محل بررسی است. به نظر می‌رسد بر اساس فاکتورهای متفاوتی که از سوی سولر^۱ به عنوان روان و رفتارشناس سایبری مطرح گردیده است بتوان چنین سؤالی را پاسخ داد:

1. suler

ناشناس بودن یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی است که موجب ایجاد تأثیر کاهش بازدارندگی در زیست مجازی می‌شود. زمانی که افراد فرصت می‌یابند تا فعالیت‌های خود در زیست مجازی را از زندگی شخصی و هویت خود تفکیک نمایند، احساس آرامش بیشتری در افشای اعمال خود دارند و کمتر احساس آسیب‌پذیری می‌کنند.

دومین فاکتور در کاهش بازدارندگی در انجام رفتارها در زیست مجازی مربوط به نامرئی بودن و عدم دیده شدن در برخی موارد است. در بسیاری از محیط‌های مجازی به خصوص محیط‌هایی که مبتنی بر متن است، امکان رؤیت افراد برای دیگران وجود ندارد. چنین وضعیتی، نامرئی بودن، موجب ایجاد شجاعت در افراد می‌گردد تا در انجام اعمال یا بیان گفتار احساس بازدارندگی کمتری را داشته باشند. باید توجه داشت ناشناس بودن علی‌رغم هم‌پوشانی محدودی که با نامرئی بودن دارد دارای تفاوت‌های اساسی نیز با آن هست (suler, 2004: 322).

سومین فاکتور در کاهش بازدارندگی در انجام رفتار و بیان گفتار در زیست مجازی به ویژگی برمی‌گردد که از آن می‌توان به ناهم‌زمانی^۱ یاد کرد. این فاکتور نیز در ارتباطات متنی مفهوم می‌یابد. در محدوده پست الکترونیکی و پیام‌های ارتباطی، ارتباط ناهم‌زمان شکل می‌گیرد. به این معنا که مردم در یک زمان واقعی با یکدیگر ارتباط برقرار نمی‌کنند. دیگران ممکن است دقیقه‌ها، ساعت‌ها، روزها یا حتی ماه‌ها بعد پیام را پاسخ دهند و این عدم نیاز به مقابله با واکنش فوری شخص، میزان بازدارندگی فرد را کاهش می‌دهد. در برقراری ارتباطاتی که در پاسخ به آن تأخیر وجود دارد، رشته افکار افراد به‌نحو مرتب و سریعی به سمت کاهش بازدارندگی و نقض هنجارهای اجتماعی پیش می‌رود (suler, 2004: 323).

چهارمین فاکتور مربوط به ترکیب ذهن فرد با دیگران است. در ارتباطاتی که به شکل چهره‌به‌چهره برقرار نمی‌گردد می‌توان گفت مرزهای مفهوم «خود» دچار تغییر می‌گردد. افراد احساس می‌کنند که ذهنشان با ذهن فرد دیگر در زیست مجازی که در تعامل با آن‌ها قرار گرفته ترکیب شده است. این چنین شرایطی موجب دیگر برای کاهش بازدارندگی است و فرد در زیست مجازی رفتارهایی را بروز می‌دهد که در زیست حقیقی از بروز آن خودداری می‌کند. در واقع در این موقعیت فرد در قبال شخصیت خود ساخته احساس امنیت می‌کند (suler, 2004: 323).

۲-۳. تحریک و تشویق

تحریک و تشویق در پناه زیست مجازی به دو شکل امکان رخ دادن دارد. گاه بزه‌دیده با توجه ویژگی هویت ناشناس که در زیست مجازی وجود دارد اقدام به تهدید یا اقداماتی نسبت به بزه‌کار

1. asynchronous

می‌نماید که زمینه انتقام در خارج از زیست مجازی را فراهم می‌آورد. این نوع از تحریک را تحریک فعال می‌دانیم. در نوع دوم، بزه‌دیده، قربانی ویژگی دیگری از زیست مجازی می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زیست مجازی امکان اطلاع و دسترسی افراد به اطلاعات محرمانه و خصوصی دیگران است. درواقع به‌واسطه حضور مستمر و گاه ناآشنایی افراد در زیست مجازی و در راستای استفاده از بسیاری از امکانات طراحی شده در این نوع از زیست ما شاهد این هستیم که بسیاری از افراد به‌طور ناخودآگاه و به‌صورت غیرفعال، اطلاعات محرمانه و خصوصی خود را به اشتراک می‌گذارند. گاه این نوع از اشتراک‌گذاری اطلاعات در جهت کسب خدمات دیگری از زیست مجازی انجام می‌شود که از سوی فرد بزه‌کار مورد استفاده قرار می‌گیرد و گاه فرد از روی ناخودآگاهی و گاه به‌واسطه آن تصور اشتباه و خیالی که در آزادی و رهایی در این نوع از زیست دارد، اقدام به اشتراک اطلاعات خود می‌کند. متأسفانه سازوکار حاکم بر بسیاری از ابزارهای موجود در زیست مجازی چه ابزارهای خدماتی و چه غیر آن به‌گونه‌ای است که افراد را از به اشتراک گذاشتن چنین اطلاعاتی بی‌دغدغه می‌نماید. در چنین شرایطی بدون بررسی و توجه به اینکه چنین اطلاعاتی در اختیار چه افرادی قرار خواهد گرفت، بسیاری از اطلاعات به‌صورت غیرفعال به‌عنوان نوعی از تحریک در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که گاه از سر بیکاری اقدام به وب‌گردی می‌کنند و با مشاهده شرایط یک قربانی بسیار جذاب مانند یک خانم مجرد و مطلقه یا شکست‌خورده عشقی اقدام به طرح نقشه‌های شیطانی جهت ارتکاب جرم می‌نمایند. چنین عملکردی از سوی قربانی که نشان‌دهنده نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم به‌واسطه زیست مجازی می‌باشد، قابل انطباق با نظریه‌های تحریک و تشویق و شتاب‌دهندگی بزه‌دیده می‌باشد.^۱

۳-۳. اختلال در دوره‌های گذار زیستی و اجتماعی

بدون وجود عنصر اعتماد دوره‌های گذار زیستی و اجتماعی انسان با اختلال روبه‌رو می‌گردد. درواقع علی‌رغم نقش مهمی که جامعه‌پذیری صحیح افراد در کاهش ارتکاب جرم دارد، متأسفانه ماهیت زیست مجازی به‌دلیل کم‌رنگ شدن مفهوم اعتماد موجب برای اختلال در این نوع از تکامل است. چنین اختلالی در صورت استمرار می‌تواند عواقب و آثار متعددی، هم در قربانی شدن فرد و هم مجرمیت وی داشته باشد.

۱. نظریه تحریک و تشویق در واقع به نقش بزه‌دیده در تحریک و تشویق افراد جهت ارتکاب جرم بر وی تمرکز دارد. این مفهوم به‌وسیله ماروین ولف کنگر در مطالعه قتل در سال ۱۹۵۸ مطرح گردید (باقری، ۱۳۹۶: ۵). تحت نظریه شتاب‌دهندگی، گاهی بزه‌دیده به‌گونه‌ای عمل می‌کند که این مسئله موجب برای تسریع فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه تلقی می‌شود (جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۹۳: ۴۸).

به نظر می‌رسد با استنباط از تعریفی که جانسون از اعتماد ارائه می‌دهد می‌توان گفت روابط در مفهوم و معنای اثربخش خود نیازمند عنصر اعتماد هست و لذا چنانچه ارتباطی بدون داشتن این عنصر شکل بگیرد و یا نقش این عنصر در چنین ارتباطی محدود باشد در آن صورت چنین رابطه‌ای نمی‌تواند آثار جامعه‌شناختی مطلوب که از برقراری ارتباط مورد انتظار است را برآورده نماید. جانسون معتقد است اعتماد یک خصیصه شخصی ثابت و بلا تغییر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را افزایش دهد (Johanson, 1993: 66). با این شرایط در زیست مجازی که عنصر اعتماد رنگ باخته است؛ روابط شکل گرفته نیز هیچ‌گاه نمی‌توانند اثربخشی مورد انتظار را داشته باشند و لذا موجب اختلال در فرآیند مطلوب جامعه‌پذیری مناسب فرد می‌شوند. این نکته نیز لازم به ذکر است که در جوامعی که اعتماد بالایی وجود دارد، مسئولیت‌پذیری بیشتری در سطوح پایین جامعه دیده می‌شود و در جوامعی که اعتماد کمتری وجود دارد، به نوعی فرار از مسئولیت دیده می‌شود (الوانی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). اصل عدم اعتماد در زیست مجازی در حالتی شکل گرفته است^۱ که از نظر بزرگان علم جامعه‌شناسی وجود عنصر اعتماد در چنین محیط‌هایی بسیار ضروری‌تر از محیط ارتباطات واقعی و لازمه روابط در جوامع نوین، انتزاعی و مدرن امروزی محسوب می‌شود. وی معتقد است زمان و مکان نقش مهمی در اعتماد دارند و تغییر مفهوم آن‌ها در دوره مدرن، وجود اعتماد در برقراری روابط را ضروری ساخته است (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۶۸).

۳-۴. اختلال در درک افراد نسبت به اعمال و رفتار خود و تمایل به خودافشایی

از آنجا که ماهیت زیست مجازی ماهیت پیچیده و غیرقابل درک است، افراد در این نوع از زیست درک صحیحی از آثار اعمال و رفتارهای خود ندارند^۲ و لذا معمولاً با ریسک بیشتر اقدام به انجام تعامل با دیگران می‌نمایند و لذا همین مسئله موجب برای درگیر شدن در اعمال مجرمانه و طعمه واقع

۱. نتایج یک پژوهش میدانی نشان داد که میزان فرهنگ اعتمادی که در فضای مجازی شکل گرفته است در حد متوسط رو به پایین قرار دارد (موسوی، ۱۳۹۵: ۲۴۸).

۲. یکی از نظریه‌های روان‌شناختی که در باب تحلیل رفتاری افراد از منظر ناشناختگی می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد نظریه زیمنباردو می‌باشد. هر چند این نظریه در واقع در تحلیل روان‌شناختی رفتار افراد در زندگی حقیقی مطرح شده است ولی به دلیل اشتراک در مبنا و موضوع قابل تسری به زندگی مجازی است (Bryce, 2015: 6).

شدن است که تحت نظریه‌های سبک زندگی قابل تبیین می‌باشد.^۱ از نظر کمی حس‌های پنج‌گانه که در زندگی حقیقی به طور تام به فرد در شناخت کنش و اتخاذ واکنش کمک می‌نمایند، در زندگی مجازی تقلیل می‌یابد. چنین شرایطی موجب ایجاد وضعیتی در زیست مجازی می‌شود که فرد در تصمیم به خودافشایی و بیان رازهای خود به شکل سهل‌تری اقدام می‌کند و این در حالی است که خودافشایی با وصف دیگر زیست مجازی یعنی کم‌رنگ بودن اعتماد در تضاد است. در این شرایط ترکیب احساس ناشناس بودن با اختلال و خطاهای ادراکی همچون خطای تمایل به تأیید، خطای مقایسه‌ای و هم‌سانی، موجبی برای قربانی شدن افراد می‌باشد.

۴. تدابیر لازم جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد در زیست مجازی

با توجه به ویژگی ناشناختگی و به تبع آن تغییر در اصل اعتماد در زیست مجازی، به نظر می‌رسد در یک رویکرد بزه‌دیده‌شناختی، توجه به تدابیر ذیل از اهمیت برخوردار باشد:

با فرض پذیرش اصل بی‌اعتمادی در زیست مجازی می‌بایست قائل به وجود وظایفی برای حکمرانان شد که این وظیفه به صورت موردی و البته غیررسمی در زمان کنونی انجام می‌گیرد. به عنوان نمونه وزیر ارتباطات، آذری جهرمی، در توییتی که در اواخر آذرماه ۹۷ منتشر نمودند به وظیفه آگاه‌سازی خود نسبت به شهروندان اشاره کرده است.^۲ از بررسی پیام‌های ردوبدل شده در تویتر می‌توان هم به انجام وظیفه مسئولان نسبت به آگاه‌سازی شهروندان در عدم اعتماد به زیست مجازی و نیاز به تغییر باور به چنین محیطی پی برد و هم به یادآوری وظیفه دیگر حکمرانان از سوی یکی از شهروندان که به طور ضمنی اشاره نموده است که حکمرانان در قبال ماهیت زیست مجازی

۱. نظریه سبک زندگی یکی از اولین تلاش‌ها برای تبیین قربانی شدن کیفری است. این نظریه به گات فردسن و هیندلانگ منسوب است و در پی بررسی این موضوع است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند (Robert, 1993: 459).

۲. ایشان بیان نموده‌اند که: «دو نکته کاربردی: ۱: نرم‌افزارها و پیام‌هایی که در فضای مجازی، با عنوان شارژ یا اینترنت رایگان تبلیغ می‌کنند دروغ و فریب است. ۲: تماس‌هایی که با عنوان برنده شدن در قرعه‌کشی از شما درخواست اطلاعات بانکی می‌کنند نیز کلاهبرداری است.

مراقب باشیم. برای دیگران هم باز نشر دهیم.»

این پیام با جوابی از سوی یکی از افراد با گویش لری همراه گردید:

«دکتر جان ما اینچنین آگاه‌سازی می‌کنیم که به گوش شما مسئول برسه شما آگاه‌سازی می‌کنی برای کی؟!»

جناب وزیر نیز با گویشی لری که در آن مقطع زمانی بیش از هر چیزی مورد توجه قرار گرفت بیان نموده است که:

«آگاه‌سازی ایکنم سی همتون که مشتی از خیا بی خبر گوش‌تونه نبرن، سیکه ایشاهم مسئولیت شناسین و به بقیه هم بگو تا کله سرشون نره»

ملزم به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و تلاش برای ارتقا سطح اعتماد و امنیت در این محیط هستند، پی برد.^۱ همچنین در این راستا می‌توان به اقدام جدید بانک مرکزی اشاره کرد که تمامی بانک‌ها را ملزم به صدور رمزهای موقت نموده است. در واقع در شرایط عادی در زیست حقیقی بانک‌ها مسئولیتی در قبال اهمال و سستی شهروندان در نگهداری از رمز خود یا سایر دارایی‌های خود ندارند، لکن به واسطه وضعیت مخاطره‌آمیز زیست مجازی چنین وظیفه‌ای بر دوش بانک‌ها قرار داده شده است تا بتوان به‌نحو مؤثرتری از ارتکاب جرم در زیست مجازی جلوگیری نمود. همچنین به نظر می‌رسد در سطح کلان تر نیز می‌بایست قائل به وظیفه ساماندهی فعالیت‌های نهادهای دولتی مبتنی بر زندگی مجازی شهروندان گردید. به این معنی که به‌واسطه پیشرفت و تغییراتی که در زندگی افراد با ورود به زندگی مجازی ایجاد شده است، می‌بایست حکمرانان دولتی بازنگری جدی در فعالیت‌های و وظایف گذشته خود نمایند. در برخی شرایط نیاز به تعریف وظایف جدید می‌باشد. در برخی شرایط برخی فعالیت‌ها بایستی متوقف گردد و در برخی موارد نیز می‌بایست شیوه انجام برخی فعالیت‌ها تغییر کند. به عنوان مثال در شرایط فعلی برخی از فعالیت‌ها نظام حکمرانی خود زمینه‌سازی ایجاد گرایش‌های مجرمانه به پشتوانه پیشرفت‌های دنیای مجازی است: صدور کارت‌های بانکی متعدد با هدف جلب مشتری بانکی، افتتاح حساب‌های متعدد بانکی یا صدور بی‌ضابطه سیم‌کارت‌های اعتباری از سوی اپراتورها که فاقد هر گونه کنترل مؤثر و هدفمند می‌باشد، نمونه‌هایی از این موضوع می‌باشد. چنین اقداماتی از سوی حکمرانان هر چند در شرایط گذشته با در نظر گرفتن شرایط زیست حقیقی و با هدف بهبود خدمات اجتماعی برای شهروندان بوده است، لکن در شرایط فعلی خود به ابزاری برای استفاده سودجویان در زیست مجازی تبدیل شده است. همچنین تغییرات متمادی در ارکان و ویژگی‌های هویتی اشخاص حقیقی و حقوقی زیست مجازی یکی از مهم‌ترین عوامل برای سست شدن درجه اعتماد می‌باشد. در واقع با توجه به اینکه امکان شناسایی افراد و دسترسی به آن‌ها در زیست مجازی کاهش یافته است لذا برای ایجاد اعتماد می‌بایست گونه‌ای از ثبات بیشتر نسبت به زیست حقیقی به خصوص در خصوص ویژگی‌های هویتی وجود داشته باشد تا بتواند با مرور زمان زمینه‌های اعتماد را فراهم نماید. لذا به نظر می‌رسد می‌بایست سیاست‌های دولت و حکمرانان به گونه‌ای باشد تا فرآیند و مکانیزم تغییر در مشخصات هویتی اشخاص به خصوص اشخاص حقوقی با سختی و در شرایط خاص رقم بخورد.

۱. پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در این خصوص تأییدکننده نقش بی‌احتیاطی افراد در بزه‌دیدی آن‌ها در فضای مجازی است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸: ۴۱).

در شرایط حاکم بر زیست مجازی به نظر می‌رسد شهروندان نیز با توجه به انتخابی که در گذار از زیست حقیقی به زیست مجازی داشته‌اند، می‌بایست دارای وظیفه‌ای باشند که این وظیفه نیز باید رنگی قانونی به خود گیرد. شاید تدوین پیش‌شرط‌های گذار شهروندان به زیست مجازی امری اجتناب‌ناپذیر است. البته در این راستا ماهیت پیش‌شرط‌های قابل‌پیش‌بینی اصولاً متغیر است. به این نحو که در برخی موارد پیش‌شرط صرفاً در راستای حمایت از افراد جهت جلوگیری از قربانی شدن است که در چنین موقعیتی حکمرانان می‌توانند ضمن کاهش چشمگیر رقم جرایم مرتبط با زیست مجازی، مسئولیت خود در این خصوص را نیز کاهش دهند. مهم‌ترین وظیفه قابل‌تصور در این خصوص «راستی‌آزمایی و لحاظ فرهنگ احتیاط» است. در واقع شهروندانی که راه عبور از زیست حقیقی به مجازی را انتخاب می‌کنند، ملزم به راستی‌آزمایی در تصمیمات و رفتار و اعمال خود در این نوع از زیست می‌باشند. بیان قانون‌گذار در ماده ۱ قانون جرایم رایانه‌ای در این راستا قابل‌تحلیل است. قانون‌گذار در صورتی عمل مرتکب را جرم تلقی نموده است که بزه‌دیده بالقوه تدابیر امنیتی لازم را به کار بسته باشد. اتخاذ چنین سیاستی از سوی قانونگذار و تصمیم‌گیرندگان سیاست‌جنایی از دو جهت قابل‌توجه است. از یک‌سو با پیش‌بینی مسئولیت قانونی برای افراد بزه‌دیده بالقوه به نوعی اتخاذ تدابیر پیشگیری وضعی را به عنوان یک وظیفه رسمیت بخشیده است که به طور مستقیم اثرات پیشگیرانه در ارتکاب جرم دارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در زندگی مجازی با شرایط عدم عینیت روبه‌رو هستیم و امکان رصد و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه وضعی به مراتب سخت‌تر از زندگی حقیقی می‌باشد لذا این‌گونه از تدابیر به‌نحو ملموسی مؤثرتر از ورود جامع سیستم حکمرانی در پیشگیری از ارتکاب جرم می‌باشد.

به نظر می‌رسد حکمرانان با توجه به صورت‌های افتراقی بزه‌دیدگان زیست مجازی و لحاظ پیش‌شرط‌های گذار به زیست مجازی می‌بایست قائل به سهم‌گذاری بزه‌دیدگان در ارتکاب جرایم زیست مجازی شوند. شرایط افتراقی بزه‌دیدگان زیست مجازی به‌گونه‌ای است که برخی از نویسندگان از «زنانه شدن بزه‌دیدگی در فضای سایبر» سخن گفته‌اند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۱۱۹). چنین نقش‌گذاری می‌تواند از طریق لحاظ شرایط بزه‌دیده در تعیین مجازات بزهکار محقق شود. چنین اقدامی می‌تواند مبتنی بر لحاظ شرایط مشدده و یا توسل به بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از جهات مخففه مورد لحاظ قرار گیرد. همچنین، هرچند تبصره ۳ ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌نمایند، به صورت موردی به جنبه حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان اشاره نموده است، لکن به نظر می‌رسد چنین رویکردی می‌بایست منسجم و جامع‌تر مورد اتخاذ قرار گیرد.

با توجه به اینکه سیاست‌های نظارتی رسمی در پیشگیری از ارتکاب جرم در زیست مجازی به واسطه ناشناختگی کارایی پایین‌تری را داراست، لذا توسل به ظرفیت مردمی و سیاست مشارکتی در پیشگیری از بزه‌دیده شدن افراد می‌تواند از اهمیت برخوردار باشد. یکی از نمودهای سیاست جنایی مشارکتی در زیست مجازی، کاستن از اختیار نهادهای دولتی و نظارتی در امر برنامه‌های محدودیت‌ساز و تفویض حداقلی قسمتی از این امر به برخی از شهروندان، که رویکردی سنجیده و ملایم‌تر نسبت به این مسئله دارند، می‌باشد. در یک رویکرد غیررسمی ترویج راهبردی سازه‌امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نهاد اسلامی و بومی نیز می‌تواند واجد اثر پیشگیرانه باشد. هرچند توسل به این نهاد در زیست حقیقی نیز دارای اهمیت زیادی می‌باشد و می‌بایست از سوی تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی پیشگیرانه مدنظر قرار گیرد، لکن با توجه به ویژگی‌های خاص زیست مجازی به خصوص ناشناس بودن و آثار چنین ویژگی‌هایی، اهمیت توسل به این نهاد بیش از زیست حقیقی احساس می‌گردد. در واقع باید گفت اجرای بهینه چنین نهادی در زیست مجازی می‌تواند نقص و ضعف مربوط به نظارت و کنترل اجتماعی و بیرونی را تا حدودی پوشش دهد.

رفتار گزارشگری یکی از زمینه‌های مهم تحقیقاتی در زمینه بزه‌دیده شناسی است که اهمیت آن در زیست مجازی به مراتب بیشتر از زیست حقیقی می‌باشد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین بایسته‌ها در بعد نظارتی زیست مجازی که امکان نظارت لحظه‌به‌لحظه را فراهم می‌آورد تقویت چنین رویکردی می‌باشد. سیاست‌گذاران زیست مجازی می‌بایست شرایط را از هر حیث به ویژه امکانات فنی ارائه گزارش به سهل‌ترین شکل ممکن فراهم نمایند و با استفاده از مکانیزم‌های تبلیغاتی، در جهت نیل به هدف پیشگیری عمل کنند.

تسریع در فرآیند تحقیقات مقدماتی و به دنبال آن تسریع دادرسی و شتاب در اجرای کیفرها، در خصوص جرایم زیست مجازی از دیگر تدابیر پیشگیرانه است که از منظر بزه‌دیده‌شناسی نیز قابل تحلیل است. چنین رویکردی ایجادکننده اراده‌ای محکم برای گزارش موارد جرم و کاهش نرخ سیاه ارتکاب جرم در شرایط زیست مجازی می‌باشد. این موضوع به خصوص در مورد جرایم مالی با سهم اندک از اهمیت برخوردار است. در این راستا قضات باید بتوانند در کمترین زمان ممکن دستورات لازم را صادر نمایند و اعلام‌های لازم را نیز به صورت الکترونیکی به عمل آورند. این موضوع، هم در قانون آیین دادرسی الکترونیکی و هم در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه کشور مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه

ناشناختگی در زیست مجازی مفهومی است که لزوماً دارای کارکرد منفی نمی‌باشد و می‌تواند به عنوان یکی از حقوق افراد در این نوع از زیست نیز قلمداد شود. در بسیاری از موارد، افراد بدون آنکه قصد و اراده‌ای برای انجام رفتار مجرمانه داشته باشند، علاقه‌مند هستند تا از آزادی خود در ناشناس بودن هویت خود در زیست مجازی استفاده کنند و به بهترین شکل ممکن از ابزارهای این نوع از زیست بهره ببرند. همچنین در برخی موارد ناشناختگی حقی است که می‌تواند ایجادکننده آثار پیشگیرانه باشد. به گونه‌ای که در سایه توسعه رفتار گزارشگری، افراد در صورتی که نسبت به عدم فاش شدن هویت خود اطمینان یابند، به نحو سهل‌تری امکان گزارش رفتارهای مجرمانه زیست مجازی را دارند و این می‌تواند عامل مهمی در ایجاد اعتماد بین افراد و حکمرانان و احساس امنیت از سوی شهروندان تلقی شود. لکن از زاویه دیگر، با توجه به تأثیرات ناشی از چنین وضعیتی در زیست مجازی و به تبع آن تحولات مفاهیم تعامل، همبستگی، ارزشمندی و احساس تعلق در عالم مجازی، رنگ‌باختگی اعتماد بیش از هر زمانی به عنوان عنصری اساسی زمینه‌ساز شرایط زیست مخاطره‌آمیز می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد اتخاذ یک سیاست متعادل در رعایت مصالح شهروندان زیست مجازی و تکلیف دولت و حکمرانان، می‌تواند در ایجاد عنصر اعتماد در زیست مجازی از اهمیت برخوردار باشد.

به طور کلی شرایط حاکم بر زیست مجازی به خصوص از بعد ناشناختگی، با فراهم آوردن شرایط کاهش بازدارندگی، ایجاد شرایط تحریک و تشویق، اختلال در دوره‌های گذار زیستی و اجتماعی و اختلال در درک افراد نسبت به اعمال و تمایل به خودافشایی موجب اثرگذاری بر بزه‌دیدگی افراد می‌گردد. در چنین شرایطی همان گونه که تغییر جوامع از مکانیکی به ارگانیکی مستلزم تغییر در بسیاری از ارتباطات و تعاملات افراد بوده است و افراد در جوامع ارگانیکی شکل دیگری از تعاملات را تجربه نموده‌اند، در شرایط فعلی گذار از زیست حقیقی به زیست مجازی نیز لزوم اعمال تغییرات در رفتار، تعاملات و ادراکات شهروندان، امری اجتناب‌ناپذیر است.

ترویج فرهنگ اعتماد در زیست مجازی یکی از مهم‌ترین مطالبات افراد در جهت پیشگیری و کاهش تأثیرگذاری این نوع از زیست بر بزه‌دیدگی افراد است. در این راستا با تأسی و بهره‌گیری از نظریه زتومپکا می‌توان گفت ساختارهای حاکم بر زیست مجازی زمانی می‌توانند اعتمادساز محسوب شوند که دارای ویژگی‌های ثبات، وحدت هنجاری، شفافیت، انس و آشنایی و تعهد و پاسخ‌گویی باشد (موسوی و اسدنژاد احمدآبادی، ۱۳۹۴: ۲۵۶). لذا تغییرات گسترده در شیوه سامان‌دهی اجتماعی در جامعه مجازی که به سمت جامعه ارگانیکی متمایل است، موجب ایجاد

این نیاز شده است که ابعاد پدیده اعتماد گسترش یافته و از محدوده افراد انسانی فراتر رود. در شرایط زندگی مجازی دولت‌ها و حکمرانان می‌بایست با توجه به مشکلاتی که در شکل‌گیری اعتماد بین شخصی به لحاظ نوع و ماهیت زندگی مجازی ایجاد شده است، به شکلی برنامه‌ریزی کنند تا زمینه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد در زیست مجازی با توسل به سیاست‌های مشارکتی و آگاهی‌بخشی به شهروندان مرتفع گردد. در واقع در راستای وظایف حکمرانان در فراهم نمودن امنیت جامعه و پیشگیری از ارتکاب جرم، با پدیداری زیست مجازی شاهد گسترش قلمرو وظایف مورد انتظار شهروندان از حکمرانان می‌باشیم.

منابع

فارسی

- الوانی، سیدمهدی و سیدصمد حسینی (۱۳۹۲)، «تأملی بر مبانی نظری، مفاهیم و مدل‌های اعتماد نهادی (سازمانی)»، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، شماره ۴، سال سوم.
- ایمان، محمدتقی و گل‌مراد مرادی (۱۳۹۰)، «روش‌شناسی نظریه اجتماعی گافمن»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، شماره ۲، سال دوم.
- باقری و ناشی، محسن و محسن باقری توانی (۱۳۹۶)، «مروری کوتاه بر نقش بزه‌دیدگی فضای مجازی و جرایم رایانه‌ای»، همایش پژوهش در فقه و حقوق اسلامی.
- پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی، ترجمه: علی حسین نجفی ابراندآبادی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- ترنر، جان‌اتان ال بیگلی (۱۳۸۴)، پیدایش نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه: عبدالعلی لهسانی زاده، چاپ اول، شیراز: نشر نوید.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و فرهاد شاهیده (۱۳۹۳)، «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرایم جنسی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۷، سال دوم.
- چیت‌ساز، محمدعلی و ساناز سالک (۱۳۹۵)، «بررسی جامعه‌شناختی اثرات شبکه‌های مجازی جدید بر زندگی فردی و اجتماعی»، مهندسی فرهنگی، شماره ۸۶، سال ۱۰.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و احسان سلیمی (۱۳۹۷)، «علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی شبکه اجتماعی فیس‌بوک»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، شماره سوم، سال نهم.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و احسان سلیمی (۱۳۹۸)، «بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت: از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم ترمیمی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱، دوره ۴۹.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۹۶)، «تأملی بر فضا و جرم: جهت‌گیری فضای عمومی، خصوصی و مجازی در ایران»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱۰، سال ۴.
- خوش‌صفا، حسن و مجید کفاش (۱۳۹۵)، «بررسی شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارزش‌های خانواده»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۲۳، سال ۶.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران: نقش جهان.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۷)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
- عابدینی، زین‌العابدین (۱۳۸۸)، «جرم در فضای مجازی، ضرورت آینده‌پژوهی»، مجله کارآگاه، شماره ۹، سال سوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- محسنی تبریزی، علیرضا، سعید معیدفر و فاطمه گلایبی (۱۳۹۰)، «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۱، سال ۲۲.
- موسوی، سید کمال‌الدین و معصومه اسدزاد احمدآبادی (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی فرهنگ اعتماد در فضای مجازی»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۴، سال اول.

➤ نجفی ابراندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

انگلیسی

- Adebusuyi, adeniran. (2008). "The Internet and Emergence of Yahooboy sub-Culture in Nigeria". **International Journal of Cyber Criminology**. Vol 2. Issue 2. Obafemi Awolowo University. pp368-381.
- Burke, P. (1991). "Identity Processes and Social Stress", **American Sociological Review**. Vol 56 (6). Washington state university. pp836-849.
- Bryce, joanne. (2015). "cyberpsychology and human factors". Engineering & Technology Reference. University of Central Lancashire. Available at: <http://clock.uclan.ac.uk/14085>
- Edem, Williams. (2011). "Linden Labs Second Life: Understanding the Business Model and Sources of Commercial and Social Success or Decline of Second Life". **Computer and Information Science**. Vol 4, No 2. University of Calabar. pp96-101.
- Hannah.Wood Despres (2017). A Current and Increasing Problem of Anti-Social Behavior via Anonymity Using Electronic Mediums Demanding Recognition as a Biopsychosocial Disorder that Perpetuates Criminal Behavior Online. A Thesis/Capstone Proposal Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Masters of Criminology. Regis University.
- Johonson, David. (1993). **Reaching Out: Interpersonal effectiveness and Self-actualization**. Boston: Allyn and Bacon.
- Meier, Robert and Terance D. Miethe. (1993). "Understanding Theories of Criminal Victimization". **Crime and Justice**, vol 17. pp 459-499.
- Suler, John. (2004). "The Online Disinhibition Effect". **cyberpsychology & behavior**. Vol 7. No 3. Rider University Lawrenceville. New Jersey. pp321-326.